Archive of SID.ir

فصلنامه علمی-پژوهشی
جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای
سال دوازدهم، شماره ٤، پائیز ١٤٠١
صص: ٣٦٢-٣٤٨

# چالش‌های مبارزه با فساد بانکی در حقوق بین الملل نسبت به نظام بانکداری اسلامی در ایران و سایر کشورهای اسلامی

**حمید رضائی**
دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران
**سید مصطفی میرمحمدی**[1]
دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران
**سید یاسر ضیایی**
دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

تاریخ دریافت:۱۴۰۰/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

## چکیده

مقابله با فساد اکنون در کانون توجه حقوق داخلی و اسناد حقوق بین الملل است. اسناد بین المللی متعددی در مقابله با فساد تدوین شده اند که در آن ها فساد در سیستم بانکداری نیز مورد توجه قرار گرفته است. از جمله آن ها می توان از کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد، کنوانسیون بین المللی جرایم سازمان یافته و موافقت نامه بازل۱۹۸۸ نام برد. در رهیافت های اسلامی با فساد بانکی بر پایه برخی از قواعد اسلامی مانند؛ ممنوعیت رباء و اکل مال به باطل مقابله شده است. مقاله حاضر نخست با مروری بر اسناد بین المللی وضعیت مقابله با فساد بانکی را از منظر حقوق بین الملل بررسی و تحلیل نموده است پس از آن به رهیافت ها و آموزه های اسلامی مقابله با فساد اشاره شده است تا از این طریق ظرفیت های این دو نظام را در مقابله با فساد بانکی به شیوه توصیفی تاریخی و تحلیلی نشان دهد. برآیند تحقیق این است که تفاوت های عمده در این دو نظام حقوقی باعث عدم جرم انگاری برخی رفتارهای مجرمانه، وجود نهادهای متعدد قاعده گذار در زمینه مبارزه با فساد بانک داری و فقدان مرجع خاص قاعده گذاری در فقه اسلامی در زمینه مبارزه با فساد بانکی خواهد شد.

***کلیدواژگان: حقوق بین الملل، بانکداری بین المللی، مقابله با فساد، بانکداری اسلامی.***

[1]. ( نویسنده مسئول): mirmohammadi@mofidu.ac.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



**مقدمه**

آغاز بانکداری اسلامی به دغدغه یکی از کشورهای غرب در مورد رواج گسترده بانکداری ربوی بر می گردد که در نتیجه آن شهید محمدباقر صدر در این باره تحقیقات جامعی بعمل آورد. علت طرح موضوع هم این بود که مسلمانان استقبال چندانی از تودیع پول در بانکداری ربوی نداشتند و سرمایه های خود را به طور معمول در این بانک ها سپرده گذاری نمی کردند. شهید صدر دو بحث در ایجاد بانکداری غیرربوی بیان داشت : اول اینکه در اساس و به طور پایه ای ، بانکداری چگونه اسلامی می شود، و دوم اینکه چه کنیم تا در صورت عدم تغییر وضع موجود، نوعی بانکداری رواج یابد که لااقل شبهه ربوی نداشته باشد، یعنی از اساس و بنیان، بانکداری اسلامی مطرح نشود که با مشی حکومت مطابق نباشد، بلکه به گونه ای باشد که بتوان با حفظ شیوه بانکداری متعارف فعلی (ربوی) و حذف نقاط منفی آن (ربوی بودن) از طریق استناد به فتاوای مشهور و همچنین حفظ نقاط قوت این بانکداری همانند نقل و انتقال پول به اصلاح آن پرداخت. شهید صدر روش دوم را پیشنهاد کرد؛ وی اجرای روش اول را که شامل ایجاد تغییرات اساسی در ساختار و بنیان بانکداری است به دلیل نبود شرایط کافی، مناسب ندانسته و بنابراین بانکداری بدون ربا را مطرح می کرد. این نوع نظام بانکداری بدون ربا ریشه در ایدئولوژی و ارزش های اقتصاد اسلامی دارد و تحقق آن مستلزم استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز توزیع عادلانه درآمد و ثروت در جامعه است. بنابراین، منظور از بانکداری اسلامی نوعی سیستم بانکداری است که مبتنی بر قوانین اسلامی و نظریات اقتصاددانان و کارشناسان علوم بانکی و علمای اسلام است. اگر مولفه های اصلی بانکداری اسلامی را حذف ربا از تمامی عملیات بانکی و انطباق عملیات بانکی با موازین شرعی بدانیم، اساس بانکداری اسلامی، تسهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی خواهند بود. براین اساس، در بانکداری سنتی (ربوی) بین بانک و مشتری و گیرنده تسهیلات یک رابطه مستقیم وجود دارد و بواسطه وجود همین رابطه مستقیم، رابطه دائن و مدیون بوجود می آید، اما در بانکداری اسلامی وجوه سپرده گذاران طبق موازین شرعی و حقوقی و درقالب عقود معین سرمایه گذاری می شود. در مبحث بانکداری اسلامی موضوع سود و حداقل سود مورد انتظار پیش کشیده می شود که با ربا (بهره)، به معنی دریافت هر مبلغ اضافه بر روی دین مشروط بر اینکه قبلاً شرط شده باشد، تفاوت هایی اساسی دارد، از جمله اینکه: سود با توافق طرفین تعیین و به نسبت های مورد توافق پرداخت می شود، ولی ربا از طرف وام دهنده (دائن) تعیین و به هر نرخ یا نرخ های ثابت از قبل تعیین شده، پرداخت می گردد. سود قبل از تحقق حالت التزام دارد و پس از تحقق حالت الزام، ولی ربا بر ذمه وام گیرنده (مدیون) بوده و پرداخت آن در هر حالتی الزامی است.

**قواعد فقهی ناظر بر مبارزه با فساد و بانکداری اسلامی**

**بانکداری اسلامی و منع ربا**

دراصطلاح فقه، ربا عبارت است از هرنوع زیادی که درضمن عقد قرض شرط شود یا درمعاوضه دوکالای هم جنس یا درتمدید مهلت پرداخت بدهی دریافت شود بنابراین ربا به دونوع ربای معاملی و ربای قرضی تقسیم می شود .وربای قرضی خود به دونوع ربا درعقد قرض وربا درتمدید بدهی (ربای جاهلی) قابل تقسیم است دراسلام ازآغاز بعثت پیامبرخاتم (ص) ربا تحریم گردید ورباخواری از گناهان بزرگ شمرده می شد وتا صد سال اخیرورواج بانکداری ربوی و نفوذ نظام سرمایه داری درکشورهای اسلامی، کسی به آن مبادرت نمی کرد. مطابق آیات قرآن وروایات بعضی از حکمت های تحریم ربا عبارتند از:

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



۱- ربا مانع هدایت سرمایه ها به سمت فعالیت های مولد می باشد.

۲- ربا مانع هدایت انسان به سمت تعادل روحی وروانی (قرآن، بقره، ۲۷۵) می شود.

۳- ربا مانع استقرارعدالت درجامعه وموجب گسترش ظلم واختلاف طبقاتی بین انسانها (قرآن، بقره، ۲۷۹) است.

۴- ربا مانع گسترش معاملات سالم اقتصادی می شود.

۵- ربا مانع گسترش صدقه، انفاق و قرض الحسنه (قرآن، بقره، ۲۷۶. ۶) می گردد.

در لسان العرب آمده است : والاصل فیه الزیاده من الربا اذا زاد و ارتفع و نما ربا در لغت به معنای یک نوع زیاده و اضافی است که در اموال و ثروت به وجود می آید . ربا افزایش سرمایه است اما در اصطلاح شرع اسلام به معنای یک نوع به خصوص و اضافی از سرمایه است نه مطلق افزایش. فقهای شیعه ، به طور کلی ربا را به دو قسم تقسیم کرده اند : الف ) ربا در وام ( ربای قرضی ) ؛ ب ) ربا در داد و ستد ( ربای معاملی ) ربای قرضی عبارت است از اینکه شخصی به شخص دیگر مقداری کالا یا پول ، قرض دهد و شرط کند مقدار بیشتری بگیرد . این نوع ربا هم اکنون در جهان رایج است و به اتفاق فقهای اسلام حرام است . ربای معاملی عبارت است از معامله دو کالای همگون با یکدیگر با وزن و پیمانه مشخص که با یک نوع زیاده عینی یا حکمی در یک طرف معامله همراه باشد.

مشهور فقیهان برخلاف ربای قرضی ، در ربای معاملی وجود دو شرط اساسی را برای تحقق ربا لازم دانسته اند : الف – عوض و معوض از یک جنس باشند ؛ ب – عوض و معوض از اشیایی باشند که در عرف یا با پیمانه و یا با وزن مبادله می شوند. بنابراین ، بیع یک شی به کم یا زیادتر از همان جنس در صورتی که از کالاهای شمردنی باشد ، اشکالی ندارد . از سوی دیگر می دانیم پول ، از نوع معدودات شمردنی است و هرگز با پیمانه یا وزن ، اندازه گیری نمی شود . بنابراین ، علی القاعده ، فروش پول کمتر به پول بیشتر نباید اشکالی داشته باشد.

بانکداری بدون ربا یک شیوه بانکداری است که موجب تجمیع منابع پس انداز کنندگان وسرمایه گذاران بمنظور دادن تسهیلات جهت استفاده درفعالیتهای اقتصادی وبه قصدانتفاع صاحبان پول وتسهیلات گیرندگان بارعایت موازین اسلامی ودرچهارچوب نظامهای پولی واعتباری براساس رضایت طرفین درقالب عقود اسلامی می باشد. درتعریف بانک درنظام سرمایه داری، بانک یک مؤسسه انتفاعی است که باسرمایه خود وسپرده های مشتریان، به منظورکسب سود، به جمع آوری سپرده ها، دادن وام واعتبارات وارائه خدمات بانکی اقدام می کند درمقابل بانک بدون ربا یک مؤسسه انتفاعی است که ازطریق قراردادهای شرعی، باسرمایه خود و سپرده های مشتریان، به منظور کسب سود، به جمع آوری سپرده ها، اعطای تسهیلات، اعتبارات وارائه خدمات بانکی اقدام می کند

بانکهای بدون ربا درکشورهای اسلامی ازبدوتأسیس تاکنون ازجهت کمی وکیفی توسعه قابل توجهی داشته اند بطوریکه امروزه دراغلب کشورهای اسلامی وحتی دربرخی کشورهای غیرمسلمان این نوع بانکها فعالیت می کنند. این بانکها اگرچه ازجهت حذف ربا ازعملیات بانکی مشترکند اما ازجهت انتخاب الگوی عملیاتی وگزینش عقود وروش های معاملاتی متفاوت هستند. برای بررسی نحوه عمل هریک از این نوع بانکها میتوان به الگوهای پیشنهادی شهید آیت الله سیدمحمدباقرصدر(ره) درکتاب البنک الاربوی فی الاسلام، الگوی بانک اسلامی اردن، الگوی بانک توسعه اسلامی، الگوی بانک مبادله ای، والگوی فعلی بانکداری بدون ربای ایران مراجعه کرد .

**بانکداری اسلامی و قاعده احترام**

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



گروهی از فقیهان ، احترام مال را به ناروا بودن مزاحمت و گرفتن قاهرانه مال از مالک مسلمان تعریف کرده اند. برخی دیگر آن را محافظت از نابودی و ضایع نساختن مال مسلمان دانسته اند. بعضی از فقها بی ارزش نشمردن مال مسلمان را نیز معنای قاعده احترام مال شمرده اند و به نظر ایشان هنگامی که با مال مسلمان ، همسان اشیای بی صاحب و مباحات اولی رفتار شود ، حرمت آن شکسته شده استبنا بر تعریف نخست ، پیام قاعده احترام نسبت به مال مسلمان این است که میان مالک و مال ، جدایی نیاندازید و وی را با تصرف یا گرفتن مال ، از تصرف مالکانه بازندارید ولی پیام در تعریف دوم ظاهرا آن است که مسلمانان افزون بر ممنوعیت تعدی به مال دیگری ، تکلیف حفاظت از مال مسلمان در مقابل نابودی نیز دارند ؛ باید تلاش شود مال مسلمانان نابود نگردد . نگاه تعریف سوم نیز بر رایگان نبودن تصرفات است .

قاعده احترام اغلب در مواردی که فقهاء برای تمسک به قاعده ضمان ید ، اتلاف یا تسبیب با مشکل روبرو گردیدند به کار برده شده است . شخصی که مال دیگری را غصب می کند ، نسبت به عین آن ، بنابر قاعده ضمان ید ، ضامن است اما راجع به منافع مستوفات و غیرمستوفات در استناد به قاعده مذکور ، بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد و برخی از آنها قاعده ضمان ید را شامل این مورد ندانسته اندلذا به موجب قاعده احترام ، مال مسلمان محترم و تجاوز و تعدی به آن موجب ایجاد مسئولیت و ضمان برای متجاوز به مال دیگری است .

بنابراین بر اساس قاعده احترام و حرمت تضییع اموال مسلمین ، ورود بدون نظارت رمزارزها در اقتصاد واقعی موجب افزایش میزان ضرر در حجم پول و ثروت های اقتصاد واقعی است که بر این اساس ، تزریق چنین پولی با عنوان حرمت روبرو است.

### بانکداری اسلامی و قاعده حفظ نظام

مساله حفظ نظام به عنوان یک واجب شرعی در ابواب مختلف فقهی و اصولی مورد تاکید قرار گرفته است . بر این حکم ، همه ادله و مبانی اصلی و فرعی شرعی دلالت دارد . نظام در مفاهیم و مراتب گوناگونی مانند سامان داشتن زندگی اجتماعی ، کیان کشور ، حکومت ، مجموعه احکام و موازین اسلام و خرده نظام های سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی به کار می رود . لکن نظام سیاسی اسلام از جایگاه برتری نسبت به نظام های جزیی از قبیل نظام اقتصادی ، نظام اجتماعی و ... برخوردار است و مراد فقهاء از استعمال نظام در ابواب فقه سیاسی ، نظام سیاسی اسلام است . هم چنین باید این نکته را نیز افزود که در اسلام ، حکومت ظاهری و قدرت سیاسی فی نفسه ارزش نداشته و واجب نیست و نباید به هر دستاویزی برای حفظ آن متوسل شد . بلکه حفظ قدرت و حکومت از آن جهت واجب است که زمینه ساز تعالی انسان را فراهم می کند و تا زمانی واجب است که مسایل و مصالح زیربنایی اسلام به خطر نیفتد . هم چنین اگر حفظ آن در تزاحم با اصل دین و توحید و نبوت و اصل امامت و حب اهل بیت علیهم السلام و بغض اعدائشان باشد ، بدون شک هیچ تکلیفی در حفظ آن نیست و چه بسا اقدام برای تغییر آن ، واجب می شود .

### اسناد بین المللی حاکم بر مبارزه با فساد در نظام بانکداری

کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد، تنها سند الزام آور جهانی ضدفساد است اگرچه اسناد منطقه ای الزام آوری نیز در این زمینه وجود دارد اما همان طور که گفته شد در سطح جهانی ، این کنوانسیون مورد توجه است. رویکرد جامع و مانع این کنوانسیون و ماهیت الزام آور بسیاری از مواد آن ، آن سند را به عنوان یک سند بی بدیل در مقابل مشکلات جهانی فساد قرار می دهد. بسیاری از دولت های عضو ملل متحد در این کنوانسیون عضویت دارند. این کنوانسیون در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ میلادی به موجب قطعنامه ۵۸/۴ مجمع عمومی ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفت و در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



میلادی به موجب بند یک ماده ۶۸ این کنوانسیون ، لازم الاجراء گشت . تعداد اعضای این کنوانسیون تا شش فوریه ۲۰۲۰ میلادی ، ۱۸۷ کشور بوده ضمن این که متن نهایی کنوانسیون که هم اکنون اجرایی شده است و در دسترس قرار دارد در طول هفتمین جلسه کمیته ویژه مذاکره کنوانسیون مبارزه با فساد که در بین تاریخ های ۲۱ ژانویه ۲۰۰۲ میلادی تا یک اکتبر ۲۰۰۳ میلادی برگزار گردید ، مورد مذاکره قرار گرفت . کنوانسیون مزبور ، پنج حوزه اصلی یعنی اقدامات پیشگیرانه ، جرم انگاری و ضابطیت قضایی ، همکاری بین المللی، استرداد دارایی ها ، معاضدت های فنی و تبادل اطلاعات را تحت الشمول قرار می دهد.

این کنوانسیون علاوه بر دولت ها، پذیرای سازمان های منطقه ای و بین المللی نیز بوده و این سازمان ها نیز می توانند در این کنوانسیون عضویت پیدا نمایند. بنابراین ، نبایستی قواعد و مقررات کنوانسیون را محدود به دولت ها دانسته بلکه در این زمینه، سازمان های بین المللی نیز می توانند در این کنوانسیون عضویت پیدا نمایند.

در مجموع می توان این چنین بیان داشت که از دیگر ابتکارات سازمان ملل می‌توان به «کنوانسیون مبارزه با فساد» که از طرف دفتر پیشگیری با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNODC) تدوین گردیده بود اشاره کرد. کنوانسیون مذکور در سپتامبر سال ۲۰۰۵ میلادی با پیوستن ۳۰ کشور جهان به آن لازم‌الاجراء گردیده و ۱۴۱ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران آن را امضاء و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی، ارسال نموده است. کنوانسیون بر مشارکت عمومی در مبارزه با فساد و شفافیت در دسترسی به منابع اطلاعاتی تاکید می‌نماید.

کنوانسیون مذکور، اشکال مختلف فساد، از جمله، ارتشاء، حیف و میل، اختلاس، استفادهٔ غیرمجاز از اموال، اعمال نفوذ در معاملات، سوء استفاده از اختیارات و دارا شدن من غیر حق را مورد بررسی قرار داده است.این کنوانسیون در بخش نخست خود تحت عنوان مقررات عمومی ، اهداف خود را بیان می نماید که عبارتند از :

۱-ارتقاء و تقویت اقدامات پیشگیری کننده و مبارزه کننده با فساد به طور موثرتر

۲-ارتقاء ، تسهیل و حمایت از همکاری های بین المللی و معاضدت های فنی در پیشگیری و مبارزه با فساد از جمله در زمینه استرداد دارایی ها

۳-ارتقای مسئولیت پذیری و مدیریت مناسب امور عمومی .

در بخش دوم این کنوانسیون تحت عنوان اقدامات پیشگیرانه کنوانسیون دسته ای از اقدامات پیشگیرانه در زمینه فساد را معرفی می نماید که دولت ها می بایستی در سیاست های ملی خود در این زمینه ، پیاده نمایند :

۱- توسعه و اجرای سیاست های موثر و هماهنگ ضدفساد که مشارکت جامعه را برانگیزد موضوع ماده ۵

۲- ایجاد یک نهاد مستقل ضدفساد موضوع ماده ۶

۳- ارتقای شفافیت ، بهره وری و کاربرد ضوابط عینی در استخدام، ارتقای شغلی و بازنشتگی مقامات عمومی موضوع بند یک ماده ۷

۴- ارتقای شفافیت در زمینه تامین مالی کارزارهای انتخاباتی و احزاب سیاسی موضوع بند ۳ ماده ۷

۵- ایجاد ساز و کارها و سامانه هایی که هدف از آنها ، تسهیل گزارش دهی فساد از سوی مقامات عمومی به مقامات صالح می باشد موضوع بند چهار ماده ۸

۶- ایجاد نظام های تقنینی و اجرایی که هدف از آنها پیشگیری از ارتکاب پولشویی می باشد موضوع ماده ۱۴ .

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



۷- ماده ۱۳ کنوانسیون، دولت های عضو را ملزم می نماید تا مشارکت جامعه مدنی و سازمان های مردم نهاد در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد را تقویت نمایند. این ماده به ضرورت اقدامات تضمین کننده برای دسترسی عمومی به اطلاعات و مشارکت در برنامه های آموزشی تاکید می نماید

۸- ارتقای دسترسی به اطلاعات مرتبط با فعالیت دستگاه های عمومی و دولتی موضوع بندهای الف و ب ماده ۱۰ و هم چنین ارتقای شفافیت از طریق گزارش دهی عمومی موضوع بند سه ماده ۱۰.

البته نبایستی این چنین تفکر نمود که توجه به مبارزه با اختلاس صرفا در سطح همین سند بین المللی و اسناد بین المللی مرتبط هم چون کنوانسیون پالرمو صورت گرفته است بلکه در مقابل هم در سطح رویه قضایی داخلی و هم در سطح رویه قضایی بین المللی نیز تا حدود زیادی به مبارزه با اختلاس پرداخته شده است . نمونه بارز آن را می توان رای صادره در قضیه .Peopl e v Hodges, 315 P.2d 38 (1957) دانست که تصریح شده است :

اختلاس، تصاحب متقلبانه اموال از طریق شخصی است که به وی اموالی تفویض شده است ... در قضیه People v Darling, 41 Cal. Rptr. 219 (1964). نیز مجددا به تعریف اختلاس و ضرورت مبارزه با آن پرداخته شده است :

عناصر اصلی اختلاس، رابطه امانی است که یک نفر، مال خود را به دیگری می سپارد و تصاحب فریب کارانه از سوی فرد اخیر.

در کنوانسیون مذکور مقرر گردیده هر ساله از طریق برگزاری اجلاس و کارگاهها، زمینه بحث و تبادل نظر در مورد مسایل مربوط به فساد و ارتقاء و توانمندسازی مبارزه با فساد در دستگاههای ضدفساد سراسر دنیا را فراهم سازد. که اولین اجلاس آن با هدف اجرای مؤثر مفاد کنوانسیون برای مقابله با فساد و ارتقای همکاریهای بین‌المللی در زمینه مبارزه و پیشگیری از فساد در گذشته در کشور چین تشکیل شد، که سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران به عضویت این انجمن نیز درآمد

## چالش ها و خلاءهای مبارزه با جرایم مرتبط با فساد در نظام بانکداری اسلامی و نظام حقوق بین الملل

### تعارضات مفهومی

همان گونه که پیشتر گفت ، در قانون کیفری ایران و اکثریت کشورهای اسلاکی ، تنها اختلاس و ارتشاء در بخش دولتی به عنوان جرم در نظر گرفته شده است و اختلاس و ارتشاء در بخش خصوصی تحت عنوان دیگری یعنی خیانت در امانت جرم انگاری شده است . البته ضمن این که تصویب این دو ماده از سوی دولت ها الزامی نیست و دولت ها تکلیفی به تصویب آن ندارند ؛ بایستی گفت که در کشورهای دیگر نیز بعضا وضعیت به همین صورت است . برای نمونه در کشورهای فدراتیو میکرونزیا ، اختلاس در بخش خصوصی می تواند از طریق مقررات سرقت و عنوان مجرمانه شرارت کیفری [1] دنبال شود .( UNODC, 2009:32) در نائورو نیز شماری از مقررات کیفری به اختلاس در بخش خصوصی اختصاص داده شده است به ویژه مقررات مربوط به تصاحب متقلبانه اموال [2] و اظهارنظرات نادرست مقامات رسمی شرکت ها با این حال، محدودیت های مشابه محدودیت ها بر اختلاس در بخش دولتی بر این نوع اختلاس بار شده است. جمهوری جزایر مارشال تنها بخشی از ماده ۲۲ کنوانسیون مریدا را به عنوان مقررات جزایی خود اجراء کرده است

[1] '' Criminal Mischief ''

[2] '' Fraudulent Appropriation of Property ''

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



و از این رو ، اختلاس در بخش خصوصی در این کشور ، تنها شامل اموالی می شود که به یک شخص حقیقی یا حقوقی خصوصی به عنوان امین سپرده شده و شخص مزبور این مال را در راستای ارتکاب بزه استفاده نماید که این عمل نیز مجرمانه باشد. با این حال ، اختلاس در بخش خصوصی در این کشور تنها شامل بخش های خصوصی خاصی شده و تمامی بخش های خصوصی را دربرنمی گیرد. هم چنین تعریف مضیقی از اموال در این کشور ارایه شده است . پاپوا گینه نو نیز هم چنان مقررات جزایی تحت عنوان اختلاس در بخش خصوصی و یا عناوین دیگری که چنین ماهیتی را در برگیرد ، تصویب ننموده است . برای روشن شدن موضوع بایستی به راهنمای سازمان ملل متحد در مورد سیاست های ضد فساد توجه نمود . در چارچوب فساد ، اختلاس ، سرقت و کلاهبرداری همگی دربردارنده اخذ یا تبدیل پول ، مال یا اشیای با ارزش از سوی فردی که ذی حق نسبت بدان ها نیست اما به سبب وضعیت یا اشتغالش بدان ها دسترسی دارد ؛ می گردد ( الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۳: ۵۶) در زمینه اختلاس و سرقت ، مال از سوی فردی که به وی اعتماد شده است ، سپرده می شود . با این حال ، کلاهبرداری شامل متوسل شدن به اطلاعات غلط یا گمراه کننده برای ترغیب نمودن صاحب مال به منظور اعراض از آن به صورت ارادی می گردد. برای نمونه یک مقام رسمی که بخشی از کمک های اهدایی مردم یا محموله خوراکی یا پزشکی برای آسیب دیدگان زلزله یا سیل را به فروش می رساند می تواند حسب مورد به سرقت یا اختلاس محکوم شود با این حال اگر همین مقام دولتی یک سازمان خیریه را ترغیب نمود تا از طریق بیان نادرست افراد مورد نیاز در جریان یک فاجعه طبیعی از جمله زلزله یا سیل ، کمک های داوطلبانه و انسان دوستانه بیشتری را جلب نماید ، معاونت در کلاهبرداری کرده است .

در ارتباط با ارتشاء اما بایستی گفت که علی رغم تعاریف بسیار متعدد در سطح داخلی و بین المللی ، تمامی آنها تقریبا شامل وضعیت هایی می گردند که مربوط به حضور یک مقام دولتی بوده یا منفعت عمومی تحت تاثیر عمده قرار می گیرد و بنابراین در این نکته یعنی دولتی بودن مرتکب می تواند با اختلاس شباهت هایی داشته باشد . سرقت فراتر از بسیاری از جرایم فساد از جلمه اختلاس شده و شامل ربایش مال از سوی هر شخصی خواه دولتی خواه خصوصی که هیچ حقی نسبت به آن مال ندارد ؛ می گردد . بنابراین در صورتی که در مثال کمک های داوطلبانه ، یک فرد معمولی که هیچ ارتباطی نه با سازمان خیریه و نه با مقامات دولتی دارد ، از کامیونی که در حال حمل کمک های داوطلبانه است ، محموله هایی را ربایش نماید در این وضعیت با اینکه جرم سرقت ارتکاب یافته است اما هیچ نوع جرایم فسادی ارتکاب نیافته است . این همان دلیلی است که چرا اصطلاح اختلاس که اساسا سرقت اموال از سوی شخصی است که به وی اعتماد شده است ، معمولا به عنوان جرایم فساد طبقه بندی می گردد. در برخی از تعاریف حقوقی ، سرقت فقط محدود به ربایش اموال ملموس از جمله پول نقد شده است در حالی که تعاریف غیرحقوقی عموما شامل هر چیز باارزش از جمله ناملموس مانند اطلاعات ارزشمند نیز می شود. بنابراین اگرچه نامرسوم است اما اختلاس بر طبق حقوق بین الملل در عناصر ناملموس نیز امکان پذیر است . بنابراین ، کارمندان یا مقامات رسمی که به حساب های شرکت یا دولتی دسترسی دارند می توانند اطلاعات یا منابع مالی که در دسترس آنهاهست یا بدان ها سپرده شده است را انتقال غیرقانونی دهند .

در ارتباط با اینکه اختلاس در بخش خصوصی بر طبق ماده ۲۲ کنوانسیون مریدا مشابه عنوان مجرمانه خیانت در امانت بر اساس ماده ۶۷۴ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ محسوب شود چالش هایی به نظر می رسد وجود داشته باشد از جمله اینکه در ماده ۶۷۴ بخش تعزیرات قانون گذار برای اولین بار به طور صریح جرم خیانت در امانت را به اموال غیرمنقول تسری داده است . در نتیجه تغییر عمده ای در اموال موضوع این جرم حاصل شده است که مباحثی را به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



دنبال دارد و از آن جمله است بحث خیانت در امانت در اجاره اموال غیرمنقول که در صورت پذیرش این امر پیامدها و تبعات بسیاری در مسایل اجتماعی به دنبال خواهد داشت به عنوان مثال موجری که تا قبل از تصویب این ماده تنها از طریق دعوی حقوقی و حکم خلع ید می توانست از مستاجری که پس از انقضای مدت اجاره از تخلیه عین مستاجره خودداری کند اقامه دعوی کند و شکایت کند امروزه بر اساس ماده ۶۷۴ بخش تعزیرات به عنوان خیانت در امانت علیه مستاجر پس از انقضای مدت اجاره و عدم تخلیه مستاجر اعلام شکایت نموده و تقاضای تعقیب کیفری و مجازات وی را از دادگاه بنماید.این امر باعث می شود که در صورت تلقی کردن اختلاس در بخش خصوصی به عنوان یکی از مصادیق خیانت در امانت ، دامنه اختلاس در بخش خصوصی نسبت به اختلاس در بخش دولتی گسترده تر شود که این موضوع به هیچ وجه با سیاست های بالادستی نظام هم چون اقتصاد مقاومتی که در جهت حمایت از گسترش حضور بخش خصوصی در اقتصاد است ، هم خوانی نخواهد داشت . در ماده ۶۷۴ ، علاوه بر تغییر فوق مجازات خیانت در امانت نیز از شلاق به حبس تغییر یافته است که از این نظر با درنظر گرفتن سایر قوانین و مقررات ، تغییرات عمده ای در مجازات این جرم حاصل شده است. ( پیکا، ۱۳۹۰ : ۴۱ ) جدای از این موضوع قانون گذار در قانون مجازات اسلامی ، بزه خیانت در امانت را تعریف نکرده است و فقط به بیان تعدادی از مصادیق و موارد این بزه اکتفاء نموده است. بنابراین تسری جرم خیانت به امانت به اختلاس در بخش خصوصی در حقوق ایران خود مخالف با اصل تفسیر مضیق حقوق کیفری و قانونی بودن جرم و مجازات است و به نظر نمی رسد که چنین استدلالی بتواند با فلسفه حقوق جزا که همان ایجاد عدالت کیفری باشد ؛ منطبق باشد. هم چنین جرم انگاری اختلاس در بخش خصوصی با توجه به خیانت در امانت می تواند در فعالیت موسسات خیریه در ایران که فعالیت های آنها در چند سال اخیر شیوع پیدا کرده است ، خلل ایجاد نماید . اقدامات مجرمانه موسسه های خیریه می تواند اثرات و پیامدهای مخربی برای جامعه و موسسه های خیریه مشروع داشته باشد که از مهم ترین پیامدهای مخرب جرایم موسسه های خیریه ، سلب اعتماد عمومی افراد جامعه از موسسه های خیریه را می توان ذکر نمود. اعضای جامعه در صورت آگاهی از این جرایم و ابعاد آن ، اعتماد خود را به دستگاه های اجرایی و قضایی مربوطه از دست می دهند و این نهادها را ناکارآمد خطاب می نمایند. هم چنین دیگر افراد جامعه ، دیگر به هیچ موسسه خیریه ، حتی موسسه های سالم و قانونی اعتماد ندارند و درصدد قطع ارتباط با این موسسه ها برمی آیند که این امر می تواند منجر به از بین رفتن موسسه های خیریه و فرهنگ نیکوکاری در جامعه شود ( پیکا، ۱۳۹۰ : ۴۲ ) بنابراین قانون گذار ایرانی می بایستی در جرم انگاری اختلاس در بخش خصوصی بسیار با حساسیت عمل نموده مبادا که به فرهنگ نیکوکاری در جامعه که یکی از جلوه های بارز مشارکت عمومی است ، صدمه ای وارد آورد.

نکته مهم دیگر آن است که با توجه به اینکه اختلاس در بخش خصوصی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران هنوز جرم انگاری نشده است ، قانون گذار ایرانی می بایستی این جرم انگاری را به شکلی انجام دهد که با فعالیت های تجاری خصوصی و مالکیت شخصی در تعارض نباشد چرا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مالکیت اشخاص جایگاه خاصی قائل شده چنانکه در اصل چهل و ششم آمده است : هرکسی مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند . اصل چهل و هفتم نیز اشعار می دارد : مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است ضوابط آن را قانون معین می کند .

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



از سوی دیگر ، اختلاس برخلاف بسیاری از جرایم دیگر ، جرمی علیه شخص یا اشخاص معین نبوده به عبارت دیگر، اختلاس جرمی علیه اموال عمومی بوده و متضرر از این جرم ، جامعه در مفهوم کلی آن خواهد بود. به چنین جرایمی در جرم شناسی جرایم بدون بزه دیده اطلاق می شود . بنابراین بایستی گفت که از آنجا که در این جرایم ، این جامعه است که در واقع بزه دیده جرم واقع می شود ، قانون گذار توجه خاصی به موضوع عدم اعتماد عمومی جامعه به دولت بایستی داشته باشد چرا که در غیر این صورت ، می توان در بلندمدت ، عدم مشروعیت حاکمیت در جامعه را پیش بینی نمود. امری که در سیاست کیفری ما دنبال نشده است .

یکی دیگر از تعارضات مفهومی در بحث اختلاس بر طبق کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد ، تعریف مقام عمومی است . روش های مختلفی از سوی دولت های عضو به منظور تعریف مقام عمومی بکاربرده شده است. در بسیاری از موارد ، این تعریف هر شخصی را شامل می شود که یک وظیفه عمومی را عهده دار بوده و به وی یک سمت دولتی تفویض شده است.( Burdescu et al , 2009: 41) هم چنین تفاوتی نمی نماید که یک مقام عمومی انتصابی یا انتخابی بوده باشد یا در مقابل ارایه خدمات خود ، حقوقی به وی تعلق می گیرد یا خیر هم چنین موقتی بودن یا دائمی بودن سمت وی نیز تعیین کننده مقام عمومی یک شخص نیست و این امر نیز مهم نمی نماید که به یک شخص چه سمت حقوقی در ارایه خدمات عمومی تفویض شده است.( Greenberg et al ,2009: 21) آنچه تعیین کننده می باشد این است که آیا شخص مورد نظر فارغ از ماهیت رابطه قراردادی اش با دستگاه های عمومی ، یکی از مسئولیت های دولتی را ایفاء می نماید یا خیر. در برخی موارد نادر ، قانون بر روی مقامات رسمی که از یک نقش رهبریت ، اقتدار تصمیم گیری ، حق به رسیدگی به اموال دولتی یا منابع مالی یا موقعیتی که مستلزم مسئولیت خاص نگهداری ، حفاظت ، نظارت ، کنترل و مجازات در یک دستگاه دولتی برخوردارند ، تمرکز نموده است .( Muzila et al , 2012: 75) رویکرد دومی که از سوی برخی دولت ها اختیار شده است آن است که به دنبال یک تعریف عملیاتی از مقام عمومی بوده تا تعریف حقوقی که در نظر گروه اول مهم می نماید. این گروه از دولت ها ، تعاریف گسترده تری از مقام عمومی را اختیار کرده و از این رو با توجه به جرایمی که در اعمال وظایف رسمی یک شخص ارتکاب می یابد، مقام عمومی را تعریف می نمایند. نهایتا ، گروه بسیار معدودی از دولت ها هستند که در ارتکاب جرایم فساد از جمله اختلاس هیچ تفاوتی بین مقام عمومی و کارمندان خصوصی قایل نمی شوند ( Tamesis and Samuel, 2010: 61)

## عدم رعایت اصل عدالت در توزیع حقوق و منافع کارمندان بانکی

عدالت اجتماعی همواره یکی از مهم ترین اهداف و آرمان های نظام های تصمیم گیری سیاسی و اقتصادی شمرده می شود .( اشرفی و گلی، ۱۳۸۷: ۵۴) از آنجا که مقوله توزیع درآمد بر اساس روش های جمع شناختی و مبتنی بر ارزش های جامعه تعیین می گردد ، نقش نهاد دولت در آن بااهمیت می گردد ( طیب نیا، ۱۳۸۳: ۵) از عدالت اجتماعی ابعاد گوناگونی دارد که یکی از این ابعاد ، عدالت اقتصادی است . در بعد اقتصادی ، عدالت به رابطه بین فعالیت اقتصادی آحاد جامعه و عایدی این فعالیت ها مربوط می شود به این معنا که تلاش هر فرد و بازده اقتصادی آن چه رابطه ای با درآمد حاصل از تلاش مزبور دارد.( آقانظری، ۱۳۹۴: ۱۰) عدالت اقتصادی از طریق توزیع عادلانه درآمد محقق می شود . توجه به رفاه اقشار مختلف جامعه از طریق مطالعه توزیع حقوق ، منافع و درآمد و متغیرهای دیگر از مباحث کانونی اقتصاد در دو قرن اخیر بوده است زیرا یکی از اهداف مهم هر نوع سیاست گذاری اقتصادی بهبود رفاه عمومی و به طور مشخص افزایش رفاه اقشار کم بهره مند جوامع است . توزیع درآمد به توضیح چگونگی سهم افراد یک کشور از درآمد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



ملی می پردازد. به عبارتی توزیع درآمد درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را توصیف می کند از آنجا که میزان رفاه اجتماعی خانواده ها به میزان درآمد آنها بستگی دارد و توزیع مناسب درآمد باعث افزایش سطح رفاه در کل جامعه می شود لذا توزیع عادلانه درآمد یکی از اهداف مهم برنامه های توسعه کشورها به شمار می رود .

در یک جمع بندی کلی ، عدالت را به صورت انتظام دقیق افراد و اشیاء در درون یک جامعه می توان توصیف نمود و معنای انتظام دقیق به این صورت می باشد که هرکس و هر چیز جامعه در جای خود قرار داشته باشد. در همین راستا ، مفهوم عدالت اجتماعی تعریف می شود که مساله عدالت اجتماعی در هر جامعه یافتن راه حل برای این سوال اساسی است که چگونه می توان بین خواسته های متعارض هر فرد و الزامات جامعه هماهنگی ایجاد نمود به نحوی که هیچ یک به نفع دیگری حذف نشود و هر کدام هویت خود را حفظ نمایند و در تعریف عدالت اقتصادی نیز بایستی گفت که عدالت اقتصادی یعنی مراعات حقوق اقتصادی افراد در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است . عدالت اقتصادی علاوه بر اجتماع ، شخص را نیز متاثر می سازد که دربرگیرنده آن اصول اخلاقی است که هدایت گر در طرح های اقتصادی است . این طرح ها تعیین می کند که چگونه هر فردی برای زندگی کسب معاش می کند ، کالا و خدمات را با دیگران مبادله کند و یا چگونه قرارداد ببندد. هدف نهایی عدالت اقتصادی این است که به هر شخصی اختیار دهد که به طور خلاقانه در کارهای نامعینی ماورای اقتصاد یعنی کارهای ذهنی و روحی به کار گماشته شود. از آنجا که خود عدالت یک سیستم است لذا نظیر هر سیستم دیگری دربرگیرنده نهاده ( داده ) ، بازده ( محصول ) و بازیافت است . در درون سیستم عدالت اقتصادی سه اصل اساسی و وابسته وجود دارد :

۱- اصل مشارکت : این اصل نشان دهنده این است که چطور یک فرد نهاده را با توجه به مراحل اقتصادی به وجود می آورد تا کسب معاش کند. این اصل نیازمند فرصت های برابر در دست یابی به مالکیت خصوصی دارایی های مولد و نیز به منظور استخدام شدن در کارهای تولیدی است . ( محمدعلی پور و رحیمی عماد، ۱۳۹۲: ۱۶۳)

۲- اصل توزیع : بیانگر قوانین توزیع بازده یا ستانده خروجی یک سیستم اقتصادی است که مطابق با عملکرد هر یک از نهادهای سرمایه و نیروی کار است

۳- اصل توازن یا هماهنگی : اصول تعادلی را دربرمی گیرد و باید انحراف ها را کشف کرده و هر تصحیحی را که برای بازگرداندن نظم اقتصادی متعادل و عادلانه لازم است ، ایجاد کند .

اندازه گیری عدالت با استفاده از شاخص های آن انجام می شود که می توان به موارد زیر در قالب شاخص های عدالت اقتصادی اشاره نمود :

۱- حق برخورداری برابر از منابع طبیعی ، امکانات و ثروت های عمومی ؛

۲- سهم بری از تولید به اندازه ارزش افزوده حقیقی

۳- استفاده بهینه از اموال و منابع عمومی و دولتی

۴- توزیع درآمدها و برخورداری افراد جامعه از رفاه متوازن.

**عدم وجود یک سیاست کیفری خاص و نظام مند در مبارزه با فساد بانکی**

جمهوری اسلامی ایران طی چند سال اخیر حرکتی جدید را در راه مبارزه با انواع مصادیق فساد آغاز کرده است که شروع آن با فرمان ۸ ماده ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۸۱ است در حال حاضر قوانین مختلفی در

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



ارتباط با مبارزه با مظاهر مختلف فساد در ایران وجود دارد . در ضمن از سال ۱۳۸۳ ، برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در دستور کار دولت قرار گرفته است که یکی تکیه گاه های اصلی آن در زمینه مبارزه با اختلاس است . تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی در بالاترین سطح با حضور سران قوای سه گانه و سازمان های اصلی متولی مبارزه با فساد با هدف هماهنگی در مبارزه گسترده با مظاهر مختلف مفاسد اقتصادی از جمله اختلاس نیز اقدام مهم در کشور است اما با تمامی اقدامات صورت گرفته شاهد کاهش مظاهر مختلف فساد از جمله اختلاس در کشور نیستیم که یکی از دلایل را می توان نبود یک سیاست کیفری خاص و نظام مند در مبارزه با اختلاس بایستی یادآور شد.( الوانی، ۱۳۸۹: ۹-۱۰) لزوم سیاست کیفری خاص و نظام مند در مبارزه با اختلاس آنجا مشهودتر می گردد که بدانیم که در چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ خورشیدی ، به گونه ای هدف گذاری شده است که جامعه ایرانی در کنار توسعه یافتگی ، بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی باشد که در جهت دستیابی به این آرمان ، مباحث پیرامونی جرم و سیاست های جنایی در قسمت های مربوط به مسایل امنیتی و قضایی و ارایه راهکارهایی به منظور کاهش و پیشگیری از بزهکاری در برنامه های توسعه ای – به خصوص در برنامه های چهارم و پنجم توسعه – مدنظر قرار گرفته است که حاکی از لزوم هماهنگ سازی برنامه های توسعه ای و سیاست های جنایی و نحوه هم افزایی این دو است . ( رایجیان اصل و صادقی ، ۱۳۹۴: ۸۵ )

حساسیت جایگاه نظام اقتصادی و تاثیر فساد اقتصادی بر عرصه های مختلف اجتماعی و سیاسی ایجاب می نماید شیوه های مبارزه با امور مخل نظم اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. نفوذ عوام گرایی کیفری به حوزه مبارزه با فساد اقتصادی سبب می شود سیاست زدگی اقدامات بر موثر و کارا بودن آن غلبه کرده و تاکید نمادین بر مبارزه با این پدیده جایگزین شیوه های سنجیده و علمی شود . با این حال ، آنچه سبب عوام گرا تلقی شدن سیاست گذاری ها می شود نه صرف پاسخ گو یی به آحاد جامعه بلکه استفاده از شعار مبارزه با فساد به منظور کسب جایگاه سیاسی و یا مشروعیت بخشیدن به اقدامات در افکار عمومی است.( حسینی و اسماعیل زاده، ۱۳۹۵: ۲۰۴)

دامنه وسیع روش هایی که فساد ، خود را در قالب آنها در کشورهای مختلف نشان می دهد و نوظهوری برخی از این جرایم ، چالش های تقنینی مهمی را سبب می شود . واقعیتی که در تصمیم گیری کمیته موقت برای اختیاری کردن برای کشورهای عضو یا واگذار کردن آنها به شرایط قانون اساسی داخلی یا سایر شرایط (مطابق قانون اساسی و اصول بنیادین نظام حقوقی خود ) منعکس شده است.( لانگست و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۱ ) مقنن ایران تنها اختلاس کارمندان دولت را جرم و قابل مجازات دانسته است ، که این امر همان طور که در مورد جرم ارتشاء در بخش دولتی گفته شد با توجه به وظایف مهمی که بخش خصوصی امروزه متولی آن شده است چندان قابل دفاع نیست چرا که در مواردی مجرمین با اختلاس در بخش خصوصی ، جامعه را به مراتب بیشتر از اختلاس در بخش دولتی متضرر می نمایند اما از آنجا که در قانون کیفری ایران شرط تحقق جرم خیانت در امانت در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی سمت دولتی نیست و تنها یکی از شروط تحقق جرم اختلاس است ، لذا مرتکبان اعمال ماده ۲۲ کنوانسیون ، با حصول شرایط به اتهام جرم خیانت در امانت تحت تعقیب قرار خواهند گرفت . با این توصیف ، ماده ۲۲ کنوانسیون در قانون کیفری ایران تحت عنوان دیگری قابل تعقیب و مجازات است و این ماده در قانون کیفری ایران قابل تطبیق با جرم خیانت در امانت است .( فرهمندفر ، ۱۳۸۸: ۸۷ )

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



از سوی دیگر ، بررسی عملکرد قانون گذار ایران در گذشته ، حاکی از آن است که تصویب قوانین کیفری همیشه به عنوان بهترین و ساده ترین راه حل مبارزه با بزهکاری و کج روی های اجتماعی شناخته شده است . در واقع ، آنچه جامعه را از خطر جرایم حفظ می کند ، تصویب مداوم عناوین مختلف کیفری نیست بلکه به تعبیر بکاریا حتمی بودن کیفرهاست. با عنایت به اینکه نوع و میزان پاسخ ها در قبال بزه و انحراف از طرف دولت و ارکان مختلف آن تعیین و اعمال می شود سیاست جنایی حاکم بر نظام کیفری ما خصوصا در مقابله با جرایم اقتصادی از نوع سیاست جنایی اقتدارگراست ( لازرژ، ۱۳۹۰ : ۸۱ ) اشتباهات قانونی در نظام حقوقی کیفری جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اختلاس به چشم می خورد برای نمونه ذکر عبارت نیروهای مسلح در ماده ۵ قانون تشدید با توجه به قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح موضوعا منتفی بوده و اختلاس نظامیان مشمول ماده ۱۱۹ قانون مذکور مصوب ۱۳۸۲ می باشد. ( گلدوزیان ، ۱۳۸۶ : ۴۱۹ )

## نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

چالش های متعددی در نظام بانکداری بین المللی نسبت به نظام بانکداری اسلامی در ارتباط با مبارزه با فساد مشاهده می گردد از جمله اینکه همکاری های بین المللی در زمینه مبارزه با فساد بانکی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. امری که به نظر می رسد که در سیاست جنایی ملل متحد به خوبی جدی گرفته نشده است .

بایستی میان وقوع جرایم فساد از جمله اختلاس و سایر جرایم سازمان یافته بین المللی ارتباط برقرار نمود که نمونه بارز آن در ارتباط با قاچاق انسان و مهاجرین می باشد. در مبارزه با قاچاق انسان و مهاجرین بایستی به ارتباط میان مبارزه با قاچاق انسان و مهاجرین با سایر عوامل از جمله فساد توجه شود. مطالعات مختلف نشانگر آن بود که میزان ارتکاب جرایم قاچاق انسان و مهاجرین در جوامعی که دارای میزان بالاتری از فساد هستند ، بیشتر می باشد و به نوعی یک ارتباط مستقیم میان این دو پدیده ضداجتماعی وجود دارد. بنابراین، هر چه میزان فساد – فساد اداری – در جامعه ای بالاتر باشد به همان میزان نیز آمار قاچاق انسان و مهاجرین در این جوامع بالاتر است و بالعکس. تجربه های عینی نیز همین موضوع را اثبات می نماید چرا که عمده موارد قاچاق انسان و مهاجرین از سوی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا صورت گرفته است که دارای میزان بسیار بالاتری از موارد فساد اداری هستند. این موضوع در گزارش سال ۲۰۱۵ دبیرکل سازمان ملل متحد تحت عنوان وضعیت بزهکاری و عدالت کیفری در دنیا ، نیز به چشم می خورد که بر پایه آن، امنیت و رفاه مردم کشورهای با حداقل درآمد، در معرض تهدیدات جدی بزهکاری قرار دارد. بر اساس این گزارش ، بزهکاری و عدالت کیفری تا حدود زیادی تحت تاثیر میزان توسعه کشورها قرار دارد. به عنوان مثال ، فساد اداری – مالی ضمن تاثیر بر توسعه ، موجب رقابت متقلبانه ، افزایش هزینه خدمات ، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف حاکمیت قانون می شود . بر اساس این گزارش ، برخی اشکال جرایم خشن از جمله قتل از لحاظ آماری افزایش نداشته و بعضا با کاهش اندک مواجه بوده است . لیکن این نوسان نیز با میزان توسعه کشورها در نوسان بوده است . نظام بانکداری کشورهای بادرآمد پایین به طور نامتناسب با پدیده فساد اداری – مالی درگیر بوده اند در حالیکه مبداء قاچاق غیرقانونی انسان و گونه های حیوانی در معرض خطر انقراض ، کشورهای در حال توسعه و مقصد آن ، کشورهای توسعه یافته صنعتی می باشند.

از سوی دیگر، یکی از مهم ترین و خطرناک ترین ویژگی های سازمان های مرتکب جرایم سازمان یافته ، بهره گیری از فساد اداری است. از آنجا که سازمان مجرمانه به دنبال کسب منفعت یا قدرت نامشروع است و جهت رسیدن به این منافع مرتکب افعال مجرمانه مختلف می گردد ، ممکن است اعضای آن به همین سبب تحت تعقیب قرار گیرند. در

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



مواردی نیز در مرحله ارتکاب جرم لازم است بخشی از کارهایشان در ادارات دولتی انجام شود و بعضی از مقررات اداری مانع انجام یا پیشرفت فعالیت هایشان می گردد و در همین راستا نیز توجه به فساد اداری در پیشگیری از قاچاق انسان و مهاجرین دارای اهمیت می گردد.

نهایتا ، رویه های اجرای قانون در کشورهای مقصد ، شماری از دغدغه ها و نگرانی های حقوق بشری را مطرح ساخته است . از جمله ، نمونه های عینی از تیراندازی مستقیم مامورین انتظامی به افراد در مرزها که به آسیب یا حتی مرگ آنها منتهی می شد ؛ گزارش شده است در انجام بازداشت ها ، برخی از مقامات اجرای قانون خواستار بهره کشی مالی یا جنسی قربانیان در ازای آزادی آنها شده و یا از آزادی آنها بواسطه بازداشت های طولانی مدت فراقانونی امتناع نموده اند. نگرانی هایی نیز در ارتباط با بازداشت قربانیان قاچاق انسان و مهاجرین مطرح شده است . بازداشتگاه هایی که در آنها افراد قاچاق شده نگهداری می شده اند ، اغلب غیربهداشتی بوده و نمونه هایی از شکنجه در آنها گزارش شده اند به علاوه ، سایر حقوق از جمله حق اطلاع پیدا نمودن از اتهاماتی که علیه قربانیان قاچاق انسان و مهاجرین مطرح می شود ، دسترسی به تشریفات قضایی ، مفسران ، مشاوره های حقوقی و معاضدت کنسولی محدود شده یا موجود نیست و همه این عوامل نیز رویه فسادبرانگیز اجرای قانون را تشدید می نماید.

- پیشنهادها

۱ – عدم نظام حقوقی واحد هماهنگ پرداخت ها : پراکندگی و چندگانگی مقررات دولتی از جمله قانون استخدام کشور ، قانون کار ، قانون مقررات استخدامی ناجا ، قانون آجا و ... موجب عدم نظام حقوقی واحد هماهنگ پرداخت ها شده است .

۲-تعارض بین قوانین موجود : بر اساس بند ۷ از فرمان هشت ماده ای مصوب ۱۳۸۰ مقام رهبری به صراحت هر نوع تبعیض در امر مبارزه با فساد اداری را منع و تاکید می کند که هیچ کس و هیچ نهادی و دستگاهی نباید استثناء شود ، هیچ شخص یا نهاد نمی تواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور خود را از حساب کشی معاف بشمارد و با فساد در هر جا هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد . اما بند ب ماده ۲ قانون ارتقای سلامت ، برخلاف فرمان هشت ماده ای ، شمول این قانون نسبت به واحدهای زیر نظر مقام رهبری اعم از نظامی و غیرنظامی و تولیت آستان های مقدس را منوط به موافقت رهبری دانسته است .

۳ – عدم حمایت موثر از مخبرین فساد اداری : علی رغم آن که در ماده ۱۷ قانون ارتقای سلامت اداری ، دولت مکلف به حمایت قانونی و تامین امنیت و جبران خسارت اشخاصی شده است که تحت عنوان مخبر یا گزارش دهنده ، اطلاعات خود را برای پیشگیری ، کشف ، اثبات جرم و شناسایی مرتکب در اختیار مراجع ذی صلاح قرار می دهند اما حمایت موثری از آن ها را منوط به این شرط گذاشته که اطلاعات آن ها صحیح و اقدامات آنان مورد تایید مراجع ذی صلاح باشد

**منابع**

آقانظری، حسن (۱۳۹۴)، «عدالت اقتصادی از نظر افلاطون ، ارسطو و اسلام »، *مجله اقتصاد اسلامی* ، تهران ، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، شماره ۴ ، صص ۵-۱۸.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



اشرفی، یکتا و گلی، زینت( ۱۳۸۷ )، «بررسی وضعیت توزیع درآمد با استفاده از محاسبه ضریب جینی و شاخص رفاه سن طی سال های ۱۳۶۸-۱۳۸۶ » ، *ماهنامه بررسی مسایل و سیاست های اقتصادی* ، شماره های ۸۷ و ۸۸ ، سال هشتم ، صص ۳۰-۵۴ .

الوانی، سید مهدی و دیگران( ۱۳۸۹)، «مولفه های تدوین استراتژی ملی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران »، *نشریه مدیریت دولتی* ، دوره ۲ ، شماره ۴، صص ۹-۱۹.

الهی منش، محمدرضا و مرادی اوجقاز، محسن( ۱۳۹۳)، *حقوق جزای اختصاصی ۲ جرایم علیه اموال و مالکیت* ، انتشارات مجد، چاپ سوم

پیکا، ژرژ( ۱۳۹۰)، *جرم شناسی* ، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان ، چاپ دوم

حسینی ، سید حسین و اسماعیل زاده ، لیدا( ۱۳۹۴)، «جنبه های عوام گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی» ، *فصلنامه علمی – پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهاردهم ، شماره ۵۴ ، صص ۱۹۸-۲۰۹ .

رایجیان اصل، مهرداد و صادقی، ولی الله(۱۳۹۴)، «تقابل جرم و توسعه» ، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز* ، دوره هفتم ،شماره سوم ، صص ۷۷-۹۱ .

فرهمندفر(۱۳۸۸)، «الزامات قانون گذاری ایران پس از الحاق به کنوانسیون مبارزه با فساد ( مریدا ) »، *فصلنامه کاراگاه* ، دوره ۲ ، شماره ۷ : صص ۸۳ -۱۰۱.

گلدوزیان ، ایرج(۱۳۸۶)، *حقوق جزای اختصاصی* ، چاپ سیزدهم ، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

لازرژ، کریستین( ۱۳۹۰)، *درآمدی بر سیاست جنایی* ، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی ، چاپ دوم ، تهران ، بنیاد حقوقی میزان

لانگست، پیتر و دیگران( ۱۳۸۹)، *برنامه های جهانی مبارزه با فساد* ، مترجم امیر حسین جلالی فراهانی و دیگران ، چاپ اول ، تهران ، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

محمدعلی پور، فریده و رحیمی عماد، سیدرضا(۱۳۹۲)، «علل شکل گیری انقلاب اسلامی ایران و نظریه حکمرانی خوب : مطالعه موردی حکومت پهلوی دوم در سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ »، *پژوهشنامه متین* ، شماره پنجاه و نهم ، صص ۱۵۰- ۱۶۷ .

1-Burdescu, Ruxandra, and others.( 2009) *Income and Asset Declarations*: Tools and Trade-Offs. Stolen Asset Recovery (StAR) series. Washington, D.C.: World Bank

Greenberg, Theodore S., and others.( 2009) *A Good Practices Guide for Non-Conviction Based Asset Forfeiture*. Stolen Asset Recovery (StAR) series. Washington, D.C.: World Bank

Muzila, Lindy, and others.( 2012) *On the Take: Criminalizing Illicit Enrichment to Fight Corruption*. Stolen Asset Recovery (StAR) series. Washington, D.C.: World Bank, 2012

Tamesis, Pauline, and Samuel De Jaegere, eds.( 2010) "*Guidance note: UNCAC self-assessments—going beyond the minimum*". Bangkok: United Nations Development Programme,

Creutz, H.(1997) "Das Geld - Syndrom," *Wege Zu Einer Krisenfreien*, Berlin ,Aktualisierte Ausgabe

UNODC, " Criminalization and Law Enforcement : The Pacific 's Implementation of Chapter IIII of the UN Convention Against Corruption '' , https://www.unodc.org/documents/corruption/Publications/2016/Pacifics_Implementation_of_UNCAC_Chapter_III.pdf

Archive of SID.ir